

زنان افغانستان می‌توانند پیشقراول راه سوم باشند

آرش کمانگر

"شما زنان قهرمان کابل هستید، شما در خانه‌های خود زندانی بودید، مورد ضرب و شتم قرار گرفتید، از حق کار محروم و مجبور به گدایی شدید، اما قاطعانه ایستادید، باید شما را قهرمان نامید. اینک زمان آن رسیده است که برای حقوق خود مبارزه کنیم."

عبارات فوق، قسمتی از سخنرانی خانم "ثریا بارلیکا" سرپرست صلیب سرخ افغانستان در راه‌پیمایی سمبلیک و غرورانگیز بیش از صد نفر از زنان کابل در روز سه‌شنبه ۲۰ نوامبر ۲۰۰۱ بود. زنان در جریان این حرکت اعتراضی، ضمن پاره کردن برقع‌های خود، خواستار تحقق حقوق زنان پس از واژگونی رژیم طالبان شدند. راه‌پیمایان که قصد اجتماع در برابر دفتر سازمان ملل را داشتند در میانه راه با ممانعت نیروهای جهادی وابسته به "اتحاد نیروهای شمال" مواجه شدند. بهانه این تازه به قدرت رسیده‌ها این بود که راه‌پیمایی مذکور بدون مجوز برپا شده بود. اما حقیقت این است که میان "اسلام طالبانی" و "اسلام جهادی" به رغم تفاوت‌ها و اختلافات‌شان، در زمینه حفظ و حراست از مناسبات پوسیده‌ی مردسالارانه و اعمال ستم مضاعف جنسی بر زنان، اشتراکات بنیادی وجود دارد. برای نمونه، کل نرمش "ائتلاف نیروهای شمال" پس از سقوط طالبان، به این خلاصه شده که پوشیدن برقع را به امر داوطلبانه تبدیل کنند، اما در همان حال هشدار داده‌اند که این نرمش به معنای الغای حجاب اسلامی و به رسمیت شناختن کامل آزادی پوشش برای زنان افغانی نیست. به علاوه بازگشایی سینما "باختر" در کابل و استقبال و تجمع هزاران نفر در برابر آن نیز فقط شامل حال مردان شده و کماکان سینما رفتن زنان، پدیده‌ای حرام تلقی می‌گردد. در همین راستا یکی از رهبران مذهبی "اتحاد نیروهای شمال"، قاطعانه اتمام حجت نموده که اجرای احکام بربرمنشانه‌ای چون سنگسار و قطع اعضای بدن سارقین، جزئی لاینفک از شریعت اسلام محسوب می‌شود و احدی حق الغای آن را ندارد. بی‌دلیل نیست که احزاب و نیروهای تشکیل دهنده این ائتلاف در گزینش نام‌های اسلامی و بیان تعهد خود به ایجاد یک حکومت اسلامی دیگر، مشغول رقابت با یکدیگر هستند.

مردم و بویژه زنان افغانی و بعلاوه افکار عمومی بین‌المللی به خوبی به یاد دارند که در فاصله سال‌های ۹۲ و ۹۶ یعنی سال‌های حاکمیت "اسلام جهادی" (چه در دوره ریاست جمهوری صیقل‌الله مجددی و چه در دوره ریاست جمهوری برهان‌الدین ربانی) جنایات بی‌شماری علیه مردان و زنان افغانی و هر گونه ابراز وجود آزادی‌خواهانه، برابری طلبانه و سکولاریستی صورت گرفت. از یاد نبریم که نخستین بهانه‌های مجاهدین افغانی برای کشاندن افغانستان به باتلاق جنگ و ویرانی، بیشتر از آن‌که حضور قوای شوروی در خاک افغانستان باشد اقدامات اصلاح طلبانه و ترقی خواهانه دولت کابل پس از کودتای حزب دموکراتیک خلق بود. ایجاد مدارس دخترانه، مبارزه با بی‌سوادی مردم و به‌ویژه زنان، به رسمیت شناختن حق اشتغال و حق پوشش زنان، تهدید منافع فئودال‌ها و سران قبایل، تضعیف نقش ملایان مفت‌خور در حیات اجتماعی جامعه و اقدامات از این دست بود که خشم ملایان، اربابان و رؤسای قبایل را برانگیخت تا با سوءاستفاده از احساسات مذهبی و عشیره‌ای مردم و صد البته اشتباهات حزب دموکراتیک خلق و در رأس آن نشاندن کودتای ضربتی بر انقلاب خود مردم، و نیز حمایت مالی، تسلیحاتی و سیاسی گسترده آمریکا و متحدانش، "جهاد ارتجاعی" خود را برای فرو بردن افغانستان در باتلاق جنگ و فقر و تخریب آغاز کنند. اکنون نیز که رژیم طالبان سقوط کرده، شاهد قدرت‌گیری مجدد همان مرتجعین هستیم که یک‌بار در سال‌های ۹۲ تا ۹۶ ثابت کردند که در زمینه کار، تحصیل و پوشش زنان، حتی از جمهوری اسلامی ایران نیز عقب مانده‌تر بوده‌اند.

در این میان دولت‌های غربی مدعی دموکراسی و رهایی مردم افغانستان هم‌چون گذشته سعی دارند بر فراز اراده مردم و زنان افغانستان و نادیده گرفتن نیروهای چپ، روشن‌فکران آزاده و سکولار و تشکل‌های مستقل و ترقی‌خواه زنان افغانی نظیر "راوا" (جمعیت زنان) بار دیگر مرتجعین مذهبی را بر این کشور فلاکت زده حاکم کنند با این تفاوت که این بار می‌خواهند در کنار دسته‌جات اسلامی مجاهدین، سهمی به ظاهرشاه و طرفداران او بدهند. این مدعیان دموکراسی حاضر نیستند حق انتخاب مردم را حتی در قالب یک پارلمان فرمایشی به رسمیت بشناسند، به جای آن با تکیه بر سنت عشیره‌ای و قرون وسطایی مربوط به فراخوانی "لوی جرگه" یعنی مجمع سران قبایل، پیشوایان مذهبی، رهبران جریان‌های سیاسی و فرماندهان نظامی، آن‌هم مجمعی تماماً مردانه، افغانستان را کماکان از ابتدایی‌ترین مبانی حقوق بشر و دموکراسی دور نگه دارند. در چنین آشفته‌بازاری که

ارتجاع داخلی و بین‌المللی، غنائم را تقسیم می‌کنند و در غیاب مردم و مهم‌تر از همه ستم‌دیده‌ترین بخش جمعیت زنان - برای سرنوشت افغانستان تصمیم می‌گیرند. زنان، آزادی‌خواهان سکولار و اقلیت ترقی‌خواه نیروهای سیاسی افغانی، سخت به حمایت و مهم‌تر از آن کارزار جهانی انسان‌ها و جریان‌ات سوسیالیست، دمکرات و سکولار در دیگر کشورها - خصوصاً کشورهای غربی - نیازمندند. نباید گذاشت زنان افغانی همچون "مرغان عزا و عروسی" بار دیگر تحقیر و منکوب شوند.

در راستای درک این رسالت جهانی است که به همت خانم "امابونینو" کمیسر سابق اتحادیه اروپا و رهبر حزب رادیکال ایتالیا، روز اول دسامبر به‌عنوان روز جهانی دفاع از حقوق زنان افغانی پیشنهاد شده تا در این روز بشریت مترقی از کران تا کران دنیا، کارزار وسیعی را برای اعتراض به تداوم کهنتری و نابرابری زنان افغانستان برپا کنند و اهرم فشار نیرومندی را بر دولت‌های غربی وارد نمایند. در واکنش به این کارزار بین‌المللی، دو طرف اصلی مدعی حاکمیت در افغانستان یعنی ظاهرشاه و اتحاد شمال سعی کردند با لوس کردن اصل برابری زن و مرد، از طریق اعزام یکی دو نماینده زن به کنفرانس آلمان (آن‌هم در محاصره ده‌ها نماینده مرد) به خیال خام خود سر زنان و مردم آزاده افغان و جهان شیره بمانند. در این رابطه ظاهرشاه با معرفی رونا منصور (همسر محمد یوسف نخست‌وزیر سابق افغانستان در دوره سلطنت) و سیما والی (یکی از کارمندان سازمان ملل در نیویورک) و نیز اتحاد نیروهای شمال با معرفی آمنه فاضلی (رهبر انجمن اسلامی زنان افغانستان) تلاش کرده‌اند به نوعی ماجرایی بی‌حقوقی زنان را ماست مالی کنند، غافل از این‌که اگر قرار بود نابرابری عظیم زن و مرد با این‌گونه اقدامات نمایشی و معدود، مرتفع شود، جمهوری اسلامی ایران باید به مراتب موفق‌تر می‌بود. از این رو ضمن استقبال از فراخوان جهانی اول دسامبر، باید از هر طریق ممکن به زنان و مردم رنج‌کشیده افغانستان گفت که آن‌ها محکوم به انتخاب میان "اسلام جهادی" و "اسلام طالبانی"، و یا آن‌طور که آمریکا و متحدانش می‌پسندند، مجبور به گزینش ناگزیر "جمهوری اسلامی پرفسور ربانی" و "پادشاهی اسلامی ظاهرشاه" نیستند، راه سوم، نیز وجود دارد و می‌تواند از یک رویا و یا هدف انسانی اقلیتی کوچک، به یک جنبش توفنده آزادی‌خواهانه و سکولار تبدیل شود. این راه و جنبش، تنها شانس مردم برای رسیدن به صلح، آزادی و عدالت است. این آلترناتیو حتی اگر نتواند به دلیل کارشکنی ارتجاع داخلی، منطقه‌ای (ایران، پاکستان ...) و جهانی، مهر و نشان خود را بر حاکمیت و جامعه افغانستان بکوبد، لااقل این قدرت را خواهد داشت که با حمایت و هم‌بستگی پیگیر نهادها و انسان‌های ترقی‌خواه در سراسر گیتی، مقاومت جانانه‌ای را در برابر ارتجاع تازه نفس برپا کند و حتی آن‌را وادار به عقب‌نشینی نماید.

مردم افغانستان بطور عام و زنان رنج‌کشیده این کشور به‌طور خاص، بیش از هر زمان، چشم امید خود را به نیروهای ترقی‌خواه جهان دوخته‌اند، این هم‌بستگی حیاتی را از آن‌ها دریغ نکنیم!